

## پیمان بین‌المللی نظارت بر امور بانکی (بازل)

محمدرضا نوده فراهانی

شرکت لیزینگ صنعت و معدن

در پی بحران‌های مالی دهه ۸۰ میلادی و پس از آن، ضرورت تقویت نظام مالی بین‌المللی در میان محافل و مراجع حرفه‌ای دنیا بیش از پیش قوت گرفت.

به همین سبب، در سال ۱۹۹۷ میلادی و به عنوان بخشی از تلاش‌های مجامع جهانی در این راستا، کمیته نظارت بانکی بازل اقدام به تهیه و تدوین اصول اساسی برای نظارت بانکی مؤثر نمود که پس از تصویب آن از سوی نمایندگان مراجع نظارتی کشورهای مختلف، به مورد اجرا گذاشته شد و به سرعت نیز مقبولیتی جهانی یافت.

اقبال مجامع حرفه‌ای و کشورهای مختلف به بهره‌گیری از این اصول، مرهون جامعیت موضوعاتی است که در سند مزبور به بحث پیرامون آنها پرداخته شده است. پوشش وسیعی از موضوعات نظارتی همچون صدور مجوز، مالکیت بانک‌ها، کفایت سرمایه آنها، مدیریت ریسک، نظارت یکپارچه (تلفیقی) و تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها بین مراجع نظارتی کشورهای مبداء و مقصد در این سند، به گونه‌ای است که می‌توان آن را به منزله قانون اساسی حوزه نظارت بر بانک‌ها تلقی نمود.

با تغییر شیوه نظارت بر بانک‌ها از نظارت تطبیقی به نظارت مبتنی بر ریسک، بانک‌های مرکزی، بازرسی و نظارت‌های مستقیم خود بر بانک‌ها را با استفاده از بررسی گزارش‌های مبتنی بر نظارت غیرحضوری اعمال می‌کنند. بدین ترتیب نظارت مستمر بر موقعیت مالی بانک‌ها از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات دریافتی از آنها به منظور شناسایی به موقع ریسک، پیش‌گیری از وقوع بحران‌های مالی احتمالی و انجام اقدامات اصلاحی جهت نیل به اهداف نظارتی صورت می‌گیرد.

### کمیته نظارت بر امور بانکی (کمیته بازل):

منشاء تشکیل کمیته بازل که نقش پیشرو در یکنواخت کردن مقررات حوزه بانکداری ایفا می‌کند، به سال ۱۹۷۴ بازمی‌گردد. در ۲۶ ژوئن ۱۹۷۴، قانون‌گذاران آلمانی بانک بحران‌زده هرشتات<sup>۱</sup> را مجبور به انحلال کردند. در آن تاریخ، برخی از بانک‌های طرف حساب بانک هرشتات قبل از تعطیلی آن، مبالغی را به مارک به این بانک پرداخت کرده بودند به این امید که قبل از پایان ساعات کاری در بانک‌های نیویورک، دلار دریافت کنند. به علت اختلاف زمانی، سیستم پرداخت دلار بانک هرشتات متوقف شد و طرف‌های بانک در نهایت نتوانستند دلارهای خود را دریافت کنند.

به منظور رفع این مشکلات قانونی مرتبط با ورشکستگی بانک هرشتات، کشورهای G-10<sup>۲</sup> و لوکزامبورگ، یک کمیته دائمی با حمایت بانک تسویه حساب‌های بین‌المللی (BIS)<sup>۳</sup> تأسیس کردند. این نهاد، کمیته بازل (کمیته نظارت بر امور بانکی<sup>۴</sup>) نام گرفت (به دلیل تشکیل جلسات مذکور در شهر بازل این کمیته به کمیته بازل معروف شده است) که متشکل از نمایندگان بانک‌های مرکزی، نهادهای ناظر و مراجع قانون‌گذار کشورهای عضو جی-۱۰ است. در گذر زمان، دامنه فعالیت‌های این کمیته تکامل یافت و معطوف به موارد ذیل شد:

- تعریف وظایف ناظران و قانون‌گذاران در مواقع ایجاد مشکلات قانونی
- تضمین عدم گریز بانک‌های بین‌المللی یا هولدینگ‌های بانک‌ها از نظارت جامع مراجع نظارتی داخلی

۱-Herstatt

۲- اعضای گروه جی ۱۰ در واقع شامل ۱۱ کشور می‌باشند: بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، سوئد، سوئیس، بریتانیا و ایالات متحده

۳-Bank for International Settlements

۴-Basel Committee on Banking Supervision

- ترویج الزامات سرمایه‌ای واحد به نحوی که بانک‌های کشورهای مختلف قادر به رقابت با یکدیگر در شرایط مساوی باشند.

کمیته بازل فاقد اختیارات قانون‌گذاری است، اما کشورهای عضو به صورت ضمنی موظف به اجرای پیشنهادات این کمیته هستند. معمولاً به دلیل تفاوت مقررات داخلی هر کشور، به مراجع ذی‌صلاح هر کشور اجازه داده شده است تا در به‌کارگیری پیشنهادات کمیته بازل تا حدی انعطاف‌پذیر باشند.

در سال ۱۹۸۸، کمیته بازل مجموعه‌ای از قوانین الزامات سرمایه (کفایت سرمایه یا حداقل سرمایه مورد نیاز<sup>۵</sup>) را برای بانک‌ها پیشنهاد کرد. در سال ۱۹۹۲ این پیشنهاد در کشورهای جی-۱۰ تبدیل به قانون و در نهایت تبدیل به پیمان بازل ۱۹۸۸ شد.

### اصول اساسی نظارتی مؤثر:

کمیته بازل، اصول اساسی و متدولوژی آن را که چارچوبی از حداقل استانداردها برای روش‌های مؤثر نظارتی است و کاربردی جهانی دارد را به منظور ایفای نقش خود در تقویت نظام مالی دنیا مطرح نموده است. نقاط ضعف موجود در نظام بانکی یک کشور چه توسعه یافته و یا در حال توسعه، می‌تواند ثبات مالی را، در سطوح ملی و بین‌المللی تهدید کند. به اعتقاد این کمیته، تحقق بخشیدن به اصول اساسی مزبور از سوی تمامی کشورها، گام مهمی در بهبود ثبات مالی خواهد بود و مبنای مناسبی برای توسعه بیشتر نظام‌های کارآمد نظارتی فراهم خواهد آورد.

اصول اساسی بازل به معرفی ۲۵ اصلی می‌پردازد که برای اثربخشی یک سیستم نظارتی ضروری هستند. به طور کلی این اصول در ۷ گروه طبقه‌بندی می‌شوند.

ردیف	عنوان گروه	اصول مرتبط
۱	اهداف، استقلال، اختیارات، شفافیت و همکاری	اصل ۱- اهداف، استقلال، اختیارات، شفافیت و همکاری
۲	صدور مجوز و ساختار	اصل ۲- فعالیت‌های مجاز اصل ۳- معیارهای صدور مجوز اصل ۴- انتقال بخش عمده‌ای از مالکیت اصل ۵- خریدهای عمده

ردیف	عنوان گروه	اصول مرتبط
۳	مقررات و الزامات احتیاطی	اصل ۶- کفایت سرمایه اصل ۷- فرآیند مدیریت ریسک اصل ۸- ریسک اعتباری اصل ۹- دارایی‌های مساله‌دار، ذخایر و اندوخته‌ها اصل ۱۰- حدود تعیین شده برای مقدار منابع عمده اصل ۱۱- مقدار منابع تخصیص یافته به اشخاص وابسته اصل ۱۲- ریسک‌های کشوری و انتقال وجوه اصل ۱۳- ریسک‌های بازار اصل ۱۴- ریسک نقدینگی اصل ۱۵- ریسک عملیاتی اصل ۱۶- ریسک نرخ بهره در دفتر بانکی <sup>۶</sup> اصل ۱۷- کنترل داخلی و حسابرسی اصل ۱۸- سوء استفاده از خدمات مالی
۴	روش‌های نظارت بانکی مستمر	اصل ۱۹- رویکرد نظارتی اصل ۲۰- فنون نظارتی اصل ۲۱- گزارشگری نظارتی
۵	حسابداری و افشا	اصل ۲۲- حسابداری و افشا
۶	اختیارات ناظران در زمینه اقدامات اصلاحی و ترمیمی	اصل ۲۳- اختیارات ناظران در زمینه انجام اقدامات اصلاحی و ترمیمی
۷	نظارت بانکی یکپارچه و برون مرزی	اصل ۲۴- نظارت یکپارچه <sup>۷</sup> اصل ۲۵- روابط مراجع نظارتی کشورهای مبدا و مقصد

این اصول به شرح ذیل می‌باشند:

- اصل ۱- اهداف، استقلال، اختیارات، شفافیت و همکاری: یک سیستم مؤثر نظارت بانکی برای هر مرجعی که درگیر نظارت بر بانک‌ها است، اهداف و مسئولیت‌های مشخصی دارد. هر یک از این مراجع می‌بایست از استقلال عملیاتی، فرآیندهای شفاف، حاکمیت مؤثر و منابع کافی برخوردار بوده و در قبال انجام وظایف خویش پاسخگو باشد. همچنین وجود یک چارچوب مناسب قانونی برای نظارت بانکی ضروری است. چارچوبی که شامل موادی در خصوص صدور مجوز برای مؤسسات بانکی و نظارت مستمر بر آنها بوده، اختیاراتی را برای بررسی میزان انطباق عملکرد بانک‌ها با قوانین و نیز صحت و سلامتی آن تفویض نموده و شامل حمایت‌های قانونی از ناظران باشد. تمهیدات لازم برای تبادل اطلاعات بین ناظران و حفظ جنبه‌های محرمانه این گونه اطلاعات نیز به نوبه خود می‌بایست لحاظ گردد.
- اصل ۲- فعالیت‌های مجاز: لازم است فعالیت‌های مجاز مؤسساتی که دارای مجوز فعالیت هستند و به عنوان بانک تحت نظارت قرار می‌گیرند، به‌طور واضح تعریف شده، استفاده از کلمه بانک در عناوین مؤسسات، تا آنجا که ممکن است تحت کنترل باشد.

<sup>۶</sup>-Banking Book  
<sup>۷</sup>-Consolidated Supervision

- اصل ۳ - معیارهای صدور مجوز : مرجع صادرکننده مجوز می‌بایست از این اختیار برخوردار باشد که معیارهایی را تعیین نموده، نسبت به رد درخواست‌هایی که منطبق با معیارهای مزبور نیستند، اقدام نماید. فرآیند صدور مجوز می‌بایست حداقل، موارد ذیل را شامل شود: ارزیابی ساختار مالکیت و حاکمیت بانک و نیز گروه در برگیرنده آن، شامل صلاحیت و شایستگی اعضای هیئت مدیره و مدیریت ارشد، برنامه استراتژیک و عملیاتی آن، کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک، و پیش‌بینی وضعیت مالی آن در آینده شامل سرمایه پایه. در صورتی که مالک پیشنهادی یا سازمان مرکزی آن یک بانک خارجی است، باید موافقت اولیه مراجع نظارتی کشور مبداء نیز اخذ شود.
- اصل ۴ - انتقال بخش عمده‌ای از مالکیت : لازم است ناظر بانکی از این اختیار برخوردار باشد که به بررسی و رد هرگونه طرحی بپردازد که مستلزم انتقال بخش عمده‌ای از مالکیت یا کنترل منافع مستقیم یا غیرمستقیم در بانک‌های موجود به سایر اشخاص است.
- اصل ۵ - خریدهای عمده : ناظر بانکی باید از این اختیار برخوردار باشد که سرمایه‌گذاری‌ها یا خریدهای عمده یک بانک را براساس معیارهای تعیین شده بررسی نماید. این امر شامل ایجاد عملیات برون‌مرزی و تأیید این موضوع است که ساختارها یا ارتباطات شرکتی<sup>۸</sup>، بانک را در معرض ریسک‌های ناخواسته قرار نداده یا مانع از نظارت کارآمد نمی‌شوند.
- اصل ۶ - کفایت سرمایه : ناظران بانکی می‌بایست نسبت به تعیین الزامات احتیاطی و حداقل مناسبی از کفایت سرمایه برای بانک‌ها اقدام نمایند. این الزامات باید به انعکاس ریسک‌هایی بپردازند که بانک‌ها متقبل آنها شده و اجزای سرمایه را با توجه به قابلیت آنها در جذب زیان‌ها، تعریف نمایند. حداقل برای بانک‌هایی که در عرصه بین‌المللی فعال هستند، این الزامات نباید از آنچه که در الزامات ذی‌ربط بازل معین شده است، کمتر باشند.
- اصل ۷ - فرآیند مدیریت ریسک : ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که بانک‌ها و گروه‌های بانکی جهت شناسایی، ارزیابی، نظارت و کنترل یا کاهش تمامی ریسک‌های مهم و نیز ارزیابی کلی میزان کفایت سرمایه آنها در رابطه با وضعیت ریسکی که از آن برخوردارند، دارای فرآیند جامعی از مدیریت ریسک (شامل نظارت هیئت مدیره و مدیریت ارشد) هستند. این فرآیندها می‌بایست متناسب با اندازه و پیچیدگی مؤسسه مزبور باشند.
- اصل ۸ - ریسک اعتباری : ناظران بانکی باید اطمینان یابند که بانک‌ها دارای فرآیند مدیریت ریسک اعتباری‌ای هستند که در آن وضعیت ریسک مؤسسه منظور شده و برای شناسایی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل ریسک اعتباری (از جمله ریسک طرف مقابل<sup>۹</sup>)، خط‌مشی‌ها و فرآیندهای احتیاطی لازم تعبیه شده است. این موضوع شامل اعطای وام‌ها و انجام سرمایه‌گذاری‌ها، ارزیابی کیفیت آنها و نیز مدیریت مستمر پرتفوی وام و سرمایه‌گذاری می‌شود.
- اصل ۹ - دارایی‌های مسأله‌دار<sup>۱۰</sup>، ذخایر و اندوخته‌ها : ناظران بانکی می‌بایست قانع شوند که بانک‌ها برای مدیریت دارایی‌های مسأله‌دار و ارزیابی میزان کفایت ذخایر و اندوخته‌ها، سیاست‌ها و فرآیندهای مناسبی را ایجاد نموده و به آنها پای‌بند هستند.

<sup>۸</sup>-Corporate Affiliations

<sup>۹</sup>-Counterparty Risk

<sup>۱۰</sup>-Problem Assets

- اصل ۱۰- حدود تعیین شده برای مقدار منابع عمده : ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که بانک‌ها دارای سیاست‌ها و فرآیندهایی هستند که مدیریت را قادر به شناسایی و مدیریت نقاط تمرکز پرتفوی می‌نمایند. ناظران با تعیین حدود احتیاطی می‌بایست از تمرکز منابع بانک<sup>۱۱</sup> بر روی یک مشتری واحد<sup>۱۲</sup> یا گروه‌هایی از مشتریان مرتبط با یکدیگر<sup>۱۳</sup>، جلوگیری نمایند.
- اصل ۱۱- مقدار منابع تخصیص یافته به اشخاص وابسته<sup>۱۴</sup>: به منظور پیشگیری از سوءاستفاده‌های ناشی از مقدار منابع تخصیص یافته به اشخاص وابسته (در ارقام بالا و زیر خط ترازنامه) و جهت لحاظ نمودن تضاد منافع، ناظران بانکی باید الزامات مناسبی را برای بانک‌ها تعیین نمایند. الزاماتی مبنی بر این که ارائه منابع از سوی بانک‌ها به افراد و شرکت‌های وابسته، مبتنی بر روابط غیرشخصی<sup>۱۵</sup> و تحت نظارت مؤثر بوده، جهت کنترل یا کاهش ریسک‌های مزبور، تمهیدات مناسب نیز اندیشیده شده است و چنین منابعی، براساس خط‌مشی‌ها و فرآیندهای استاندارد به ثبت می‌رسند.
- اصل ۱۲- ریسک‌های کشوری و انتقال وجوه : ناظران می‌بایست مطمئن شوند که بانک‌ها جهت شناسایی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل ریسک کشوری و ریسک انتقال وجوه در اعطای وام‌های بین‌المللی و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود، و نیز به منظور حفظ ذخایر و اندوخته‌های مکفی جهت پوشش این قبیل ریسک‌ها، دارای سیاست‌ها و فرآیندهای مناسبی می‌باشند.
- اصل ۱۳- ریسک‌های بازار : ناظران بانکی می‌بایست از این موضوع اطمینان حاصل نمایند که بانک‌ها دارای سیاست‌ها و فرآیندهایی هستند که به طور دقیق ریسک‌های بازار را مورد شناسایی، سنجش، نظارت و کنترل قرار می‌دهند. در صورت لزوم، ناظران باید از اختیارات لازم جهت وضع محدودیت‌های خاص و یا تعیین سرمایه ویژه<sup>۱۶</sup> بیشتری جهت پوشش مقدار منابعی که در معرض ریسک بازار قرار دارند برخوردار باشند.
- اصل ۱۴- ریسک نقدینگی : ناظران باید اطمینان یابند که بانک‌ها دارای یک استراتژی مدیریت نقدینگی هستند که در آن، وضعیت ریسک مؤسسه منظور شده است و برای شناسایی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل ریسک نقدینگی و مدیریت روزانه آن، دارای خط‌مشی‌ها و فرآیندهای احتیاطی لازم هستند. ناظران می‌بایست بانک‌ها را ملزم نمایند که برای اداره امور مشکلات مربوط به نقدینگی، دارای برنامه‌های احتیاطی لازم باشند.
- اصل ۱۵- ریسک عملیاتی : ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که بانک‌ها جهت شناسایی، ارزیابی، نظارت و کنترل / کاهش ریسک عملیاتی، دارای سیاست‌ها و فرآیندهای مدیریت ریسک می‌باشند. لازم است سیاست‌ها و فرآیندهای مزبور متناسب با اندازه و پیچیدگی بانک مورد نظر باشند.
- اصل ۱۶- ریسک نرخ بهره در دفتر بانکی : ناظران باید اطمینان یابند که بانک‌ها جهت شناسایی، اندازه‌گیری، نظارت و کنترل ریسک نرخ بهره در دفتر بانکی، دارای نظام‌های مؤثر و مناسبی هستند. این امر شامل راهبردی می‌شود که به خوبی تعریف شده است و پس از تصویب هیئت مدیره، توسط مدیریت ارشد به اجرا در می‌آید. این موارد می‌بایست متناسب با اندازه و پیچیدگی چنین ریسکی باشند.

---

۱۱-Exposures  
 ۱۲-Single Counterparty  
 ۱۳-Connected Counterparties  
 ۱۴-Related Parties  
 ۱۵-On an arm's – length basis  
 ۱۶-Capital Charge

- اصل ۱۷ - کنترل داخلی و حسابرسی : ناظران بانکی باید مطمئن شوند که بانکها دارای کنترل‌های داخلی مناسبی هستند که متناسب با اندازه و پیچیدگی فعالیت آنها می‌باشند. این کنترل‌ها می‌بایست موارد ذیل را در برگیرد:
  - ترتیبات مشخصی برای تفویض اختیار و مسئولیت،
  - تفکیک وظایف تعهدآور بانک، پرداخت وجوه، و حسابداری دارایی‌ها و بدهی‌ها از یکدیگر،
  - رفع مغایرت از این فرآیندها،
  - محافظت از اموال بانک،
  - و حسابرسی مناسب و مستقل داخلی و وظایف تطبیقی جهت آزمون میزان پایبندی به این کنترل‌ها و نیز به قوانین و مقررات ذی‌ربط.
- اصل ۱۸ - سوء استفاده از خدمات مالی : ناظران باید اطمینان یابند که بانکها دارای سیاست‌ها و فرآیندهای مکفی و مناسبی از جمله مقررات صریح مربوط به «شناخت مشتری<sup>۱۷</sup>» هستند که معیارهای عالی اخلاقی و حرفه‌ای را در بخش مالی ارتقاء بخشیده و مانع از سوء استفاده عمدی یا سهوی از بانک جهت انجام فعالیت‌های جنایی می‌شوند.
- اصل ۱۹ - رویکرد نظارتی : برخورداری از یک نظام مؤثر نظارت بانکی مستلزم آن است که ناظران بانکی درک جامعی از عملیات یکایک بانکها و گروه‌های بانکی داشته، آن را توسعه دهند. همچنین آنها باید چنین شناختی را نیز از کلیت نظام بانکی داشته باشند. شناختی که بر روی ایمنی و سلامت بانکها و نیز ثبات نظام بانکی متمرکز باشد.
- اصل ۲۰ - فنون نظارتی : یک سیستم نظارت بانکی مؤثر می‌بایست مشتمل بر نظارت حضوری<sup>۱۸</sup> و غیرحضوری<sup>۱۹</sup> و تماس‌های منظم با مدیریت بانک باشد.
- اصل ۲۱ - گزارشگری نظارتی : ناظران بانکی باید دارای ابزارهایی باشند که به وسیله آنها، گزارش‌های احتیاطی و اطلاعات آماری را به هر دو صورت انفرادی و تلفیقی از بانکها جمع‌آوری نموده و آنها را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دهند. هم چنین آنها باید ابزارهایی را جهت ارزیابی مستقل این گزارش‌ها یا از طریق بررسی‌های حضوری و یا توسط متخصصین خارجی در اختیار داشته باشند.
- اصل ۲۲ - حسابداری و افشا : ناظران بانکی می‌بایست مطمئن شوند که هر بانک سوابق کافی از فعالیت‌های خود نگهداری می‌کند. سوابقی که براساس خط‌مشی‌ها و روش‌های حسابداری‌ای است که مقبولیت گسترده بین‌المللی دارند. علاوه بر این، باید این اطمینان حاصل شود که بانک نسبت به انتشار منظم اطلاعاتی که وضعیت مالی و سودآوری آن را به طور کامل منعکس می‌نماید، اقدام می‌کند.
- اصل ۲۳ - اختیارات ناظران در زمینه انجام اقدامات اصلاحی و ترمیمی : لازم است ناظران بانکی، گستره مناسبی از ابزارهای نظارتی را در اختیار داشته باشند تا نسبت به انجام به موقع اقدامات اصلاحی اقدام نمایند. در صورت لزوم، این امر می‌بایست شامل توانایی ناظران در ابطال مجوز بانکی یا پیشنهاد لغو آن باشد.

۱۷-Know – Your – Customer (KYC)

۱۸-On – Site Supervision

۱۹-Off – Site Supervision

- اصل ۲۴ - نظارت یکپارچه : یکی از عوامل ضروری نظارت بانکی این است که ناظران، گروه بانکی را به صورت یکپارچه تحت نظارت قرار دهند. این امر می‌تواند از طریق نظارت کافی و در صورت لزوم، بکارگیری ضوابط احتیاطی برای کلیه جوانب عملیات جهانی انجام شده توسط گروه مزبور صورت پذیرد.
- اصل ۲۵ - روابط مراجع نظارتی کشورهای مبدا و مقصد : نظارت تلفیقی برون مرزی، مستلزم وجود همکاری و تبادل اطلاعات بین ناظران کشور مبدا<sup>۲۰</sup> و دیگر ناظران متعدد ذریبط به خصوص ناظران بانکی کشور مقصد<sup>۲۱</sup> می‌باشد. ناظران بانکی می‌بایست بانک‌های خارجی را ملزم نمایند عملیات محلی خود را مطابق با استانداردهای مشابهی انجام دهند که مؤسسات داخلی نیز ملزم به رعایت آنها هستند.

## مروری بر پیمان بازل ۲:

در سال ۲۰۰۱، کمیته نظارت بر امور بانکی، دومین مجموعه پیمان خود (بازل ۲) را برای کاربرد مدیریت ریسک در خدمات مالی منتشر نمود، که با دخیل نمودن ریسک عملیاتی در محاسبات کل سرمایه مورد نیاز، ضمن گسترش قلمرو و دامنه اولین پیمان، سبب ظهور موضوعی مهم برای کسب و کارهای مالی و سازمان‌های ارایه‌دهنده خدمات مالی گردید. پیمان بازل ۲ توسط بانک BIS در ماه ژانویه سال ۲۰۰۱ به منظور پیاده‌سازی آن تا سال ۲۰۰۶ منتشر گردید. هدف این سند، کاهش ریسک در سیستم مالی بین‌المللی به وسیله بهبود سیستم‌های مدیریت ریسک، فرآیندها، سیاست‌ها، معیارها، گزارش‌دهی و (به صورت غیرمستقیم) فن‌آوری اطلاعات در بانک‌ها است. این پیمان علاوه بر بانک‌ها سایر نهادهای مالی غیر بانکی و شبه بانکی نظیر شرکت‌های کارت اعتباری، شرکت‌های لیزینگ و ... را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پیمان بازل ۲ از سه رکن تشکیل شده است:

- رکن اول- حداقل سرمایه مورد نیاز : در رکن شماره ۱ ابتدا تعاریف مربوط به سرمایه بانک، مشابه بازل ۱ آورده شده است و نسبت استاندارد سرمایه به دارایی‌های ریسکی نیز در سطح حداقل ۸٪ هدف‌گذاری شده است. در عین حال باید توجه داشت که این نسبت، حداقل سطح سرمایه مورد نیاز یک بانک برای فعالیت ایمن به شمار می‌رود. وود<sup>۲۲</sup> به نقل از ناظران بانکی معتبر جهانی، بانک‌ها را از نظر در اختیار داشتن سرمایه به صورت زیر تقسیم‌بندی کرده است.

ردیف	گروه بانک	حداقل سرمایه مورد نیاز
۱	با سرمایه خوب	۱۰٪
۲	با سرمایه کافی	۸٪
۳	با زیر سرمایه کافی	۶٪
۴	به طور معنادار زیر سرمایه کافی	۵٪
۵	زیر سرمایه کافی	۲٪

که در نتیجه استاندارد بازل در تقسیم‌بندی وی در سطح سرمایه کافی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر نسبت تعیین شده کمیته بازل یک نسبت حداقل به شمار می‌رود. علاوه بر تعریف سرمایه بانک، در این رکن

۲۰-Home Supervisors  
 ۲۱-Host Banking Supervisors  
 ۲۲-Wood

ترتیبات محاسبه ریسک اعتباری و ریسک بازار ذکر شده است و ترتیبات جدیدی نیز برای محاسبه ریسک عملیاتی معرفی شده است.

- رکن دوم - بازبینی نظارتی<sup>۲۳</sup> : این رکن، ترتیبات و تمهیداتی را که لازم است بانکها در شناسایی، اندازه‌گیری، مراقبت و کنترل ریسک‌های مربوطه اتخاذ نمایند، مشخص می‌کند. جی. بی. هال<sup>۲۴</sup> چهار اصل کلیدی را که رکن شماره دوی بازل ۲ بر آن بنا شده است این چنین معرفی می‌کند.  
(۱) بانکها باید دارای یک فرآیند کلی برای ارزیابی کفایت سرمایه، متناسب با استراتژی فعالیت و خصوصیات ریسکی خود، برای حفظ سرمایه لازم در سطح تعیین شده باشند. این فرآیند، شامل روش‌های آماری برای شناسایی اثرهای منفی حوادث احتمالی و ادوار تجاری<sup>۲۵</sup> کنترل‌های داخلی، گزارش اقلام ریسکی، بررسی‌های دوره‌ای و نظارت مدیریت ارشد بانک برای اطمینان از راهبری ایمن عملیات می‌گردد.

(۲) ناظران باید استراتژی‌های بانک و توانایی بانک در تطبیق نسبت کفایت سرمایه با نسبت‌های قانونی را به شکل دقیق بررسی و ارزیابی کنند و در صورتی که نتایج فرآیندهای به کار گرفته شده توسط بانک آنها را قانع نمی‌کند، اقدامات اصلاحی مناسبی را به مورد اجرا گذارند. تأکید ارزیابی‌های دوره‌ای ناظران باید بر روی ارزیابی مدیریت ریسک و مکانیسم‌های کنترلی باشد و در صورت لزوم از ابزارهایی نظیر بازرسی حضوری، بازرسی غیرحضوری و گفت و گو با مدیریت بانک و حسابرسان مستقل و یا ترکیبی از آنها استفاده کنند.

(۳) سومین اصل کلیدی مربوط به ترغیب بانکها از سوی ناظران به عملیات بالای نسبت‌های حداقل قانونی است، که برای این منظور لازم است از توانایی قانونی برای اجبار بانکها به نگهداری سرمایه بالاتر از حداقل‌های قانونی برخوردار باشند.

(۴) آخرین اصل کلیدی این است که ناظران باید در مراحل اولیه وخامت سرمایه بانکها در صدد جلوگیری از سقوط سرمایه به زیر سطوح حداقل مورد نظر برآیند و در این راه اقدامات اصلاحی در جهت ترمیم سرمایه بانک را به مورد اجرا گذارند.

- رکن سوم - انضباط بازار<sup>۲۶</sup> : در این رکن، الزامات مورد نیاز برای افشا اطلاعات مالی و مدیریتی بانک برای استفاده فعالان بازارهای مالی پیش‌بینی شده است تا آنها بتوانند از این طریق اطلاعات لازم را برای ارزیابی سرمایه بانک، مدیریت ریسک‌های مربوطه و به طور کلی موقعیت بانک در بازارهای مالی به دست آورند. در واقع از طریق رکن سوم تلاش می‌گردد شفافیت لازم در ارائه آمارها و اطلاعات بانک ایجاد گردد تا علاوه بر ناظران قانونی، فعالان بازار مالی نیز در ارزیابی مستمر از وضعیت بانک نقش مهمتری را به عهده گیرند. به همین دلیل رکن شماره ۳ مکمل فرآیندهای طراحی شده در ارکان اول و دوم در بازل ۲ نامیده شده است.

در پیمان بازل ۲، تعریف سرمایه بانک و مقررات مربوط به ریسک بازار بطور عمده براساس اصلاحیه ۱۹۹۶ می‌باشد. اما در مورد تعریف ریسک اعتباری و موارد مربوط به آن، تغییرات گسترده‌ای نسبت به پیمان‌های قبل صورت گرفته است.



همچنین در این پیمان، سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک عملیاتی نیز آورده شده بود. می‌توان مفهوم اصلی این پیمان را به صورت زیر نوشت:

سرمایه	≥	(حداقل سرمایه مورد نیاز) ۸٪
ریسک عملیاتی + ریسک بازار + ریسک اعتباری		

همانند اختیاراتی که در اصلاحیه ۱۹۹۶ در مورد ریسک بازار به بانک‌ها داده شده بود، بانک‌ها می‌توانند برای ارزش‌گذاری ریسک اعتباری و ریسک بازار، گزینه‌هایی را انتخاب کنند. بانک‌ها می‌توانند ریسک اعتباری را از طریق یکی از رویکردهای زیر ارزیابی کنند:

- رویکرد استاندارد شده<sup>۲۷</sup>: برای هر یک از دارایی‌ها و اقلام ذیل ترازنامه ضرایب ریسک مشخصی را اعمال می‌کنند، به طوری که مجموع آنها، ارزش موزون ریسک دارایی‌ها را شکل می‌دهد. از آنجا که قاعده کلی در مورد حداقل سرمایه مورد نیاز در بانک‌ها چنین است که به ازای هر ۱۰۰ واحد دارایی ریسک‌پذیر با ریسک ۱۰۰ درصد، معادل ۸ واحد سرمایه مورد نیاز است، در نتیجه هر چه ضریب ریسک دارایی‌ها در بانک‌ها کمتر باشد، حداقل سرمایه مورد نیاز برای کفایت سرمایه نیز کمتر خواهد بود.
- رویکرد بنیادی مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی (IRB)<sup>۲۸</sup>: در این رویکرد به بانک‌ها اجازه داده می‌شود برای محاسبه ریسک اعتباری مشتریان از برآوردهای داخلی ارزش اعتباری خود استفاده نمایند، مشروط بر اینکه به طور جدی استانداردهای افشای حقایق و روش‌شناسی را رعایت کنند. در ضمن در همین راستا چارچوب‌های تحلیلی جداگانه‌ای برای هر یک از انواع حدود اعتبار مختلف در نظر گرفته شده که با توجه به مشخصات و ویژگی‌های زیان احتمالی حاصله از هر یک از آنها، تکنیک محاسبه ریسک جداگانه‌ای را نیز می‌طلبد.

برای ریسک عملیاتی بانک‌ها می‌توانند از یکی از رویکردهای زیر استفاده کنند:

- رویکرد شاخص مبنا<sup>۲۹</sup>: سرمایه با استفاده از یک شاخص نماینده (مانند درآمد خالص) برای ارایه ریسک عملیاتی کلی، تخصیص داده می‌شود.
- رویکرد استاندارد شده: سازمان به خطوط کاری خاص تقسیم می‌شود. هر کدام از این تقسیمات یک شاخص برای خود دارند (مثلاً متوسط سالانه دارایی‌ها، درآمد خالص یا نرخ خطا). این روش نیازمند ردیابی و ردگیری داده‌های ضررها و ارزیابی مدیریت است.
- رویکرد ارزیابی درونی<sup>۳۰</sup>: این روش از تحلیل‌های ریسک کمی استفاده می‌نماید. سازمان‌های ارایه‌دهنده خدمات مالی نیاز خواهند داشت با توجه به تأثیر سوانح تبادلات بر روی کسب و کار، آنها را دسته‌بندی نمایند. پایگاه داده‌های «ضررها» برای محاسبه احتمال و شدت خسارت مورد انتظار در هر کدام از خطوط کسب و کار مورد استفاده قرار می‌گیرد. هزینه سرمایه بر مبنای تجربه خسارت‌های عملیاتی در یک چارچوب ارزیابی شارژ می‌شوند.

۲۷-Standardized Approach

۲۸-Foundation Internal Rating-Based (IRB) Approach

۲۹-Basic Indicator Approach

۳۰-Internal Measurement Approach

بازل ۲ از دسامبر ۲۰۰۶ اجرایی شد، اما نه به گستردگی بازل ۱. پیمان بازل ۲ توانست بسیاری از مقاصد قانون‌گذاران اروپایی در نشان‌دادن نقایص پیمان اولیه در مورد ریسک اعتباری، به‌کارگیری ریسک عملیاتی و یکسان‌سازی سرمایه مورد نیاز برای بانک‌ها و شرکت‌های اوراق‌بهادار را برآورده کند. لذا تمام بانک‌های اروپایی، پیمان بازل ۲ به همراه پیمان CADIII را به‌کار بردند. قانون‌گذاران آمریکایی اشتیاق کمتری به این پیمان نشان‌دادند. اگر چه آمریکایی‌ها همانند اروپایی‌ها در مورد نارسایی‌های پیمان اولیه بازل در مورد ریسک اعتباری اشتراک نظر داشتند، اما درباره ریسک عملیاتی معتقد بودند که قانون نظارتی فعلی بانک‌های ایالات متحده در این مورد گویا است و کمبودی ندارد. همچنین هماهنگ‌سازی سرمایه مورد نیاز هرگز برای قانون‌گذاران آمریکایی در اولویت نبوده است. آنها بازل ۲ را در مورد بانک‌های فعال بین‌المللی به‌کار گرفتند و تنها برای ۱۰ بانک بزرگ ایالات متحده این پیمان را اجرایی کردند. ۱۰ بانک دیگر در مورد اجرای این پیمان مختار بودند. سایر بانک‌های آمریکایی - شامل بانک‌های که پیمان بازل اولیه را پذیرفته و اجرا کرده بودند- همچنان تحت‌الامر قوانین رایج ایالات متحده باقی ماندند. هنوز مشخص نیست که سایر کشورها تا چه اندازه بازل ۲ را اجرا می‌کنند.

### کفایت سرمایه در بازل ۲:

سرمایه رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که بانک را قادر می‌سازد هنگام رویارویی با مشکلات اقتصادی توانایی بازپرداخت بدهی خود را داشته باشد. سرمایه علاوه بر آنکه نقش مهمی در ثبات مالی بانک‌ها و انگیزه‌های ریسک‌پذیری ایفا می‌کند، در ایجاد رقابت مثبت میان بانک‌ها نیز بسیار مؤثر است.

از آنجا که تضمین نگهداری وجوه و منابع سرمایه‌ای معتبر موجب کاهش ریسک سپرده‌گذاران بانک‌ها می‌گردد، لذا یکی از شاخص‌های مهم ارزیابی بانک‌ها «نسبت کفایت سرمایه» است. این نسبت اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته بازل به بانک‌های دنیا معرفی گردید. کمیته بازل در آن سال مجموعه‌ای از شروط حداقل سرمایه را به بانک‌ها پیشنهاد کرد که بعدها به «پیمان بازل» معروف شد.

نسبت کفایت سرمایه عبارت است از: نسبت سرمایه بانک به دارایی‌های توأم با ریسک آن که نباید از ۸ درصد کمتر باشد. نسبت مورد نظر نمایانگر موقعیت اعتباری بانک‌ها تلقی و مبنای تصمیم‌گیری جهت انجام معامله با بانک یا کشور مورد نظر از لحاظ بین‌المللی محسوب می‌شود. کارکرد اصلی این نسبت حمایت بانک در برابر زیان‌های غیر منتظره و نیز حمایت از سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان است. با توجه به حفاظتی که این نسبت در برابر زیان‌های احتمالی وارده ایجاد می‌کند، نگهداری سرمایه کافی، منبع اصلی اعتماد عمومی به بانک‌ها است.

### مقررات مربوط به کفایت سرمایه در ایران:

به موجب ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور، مصوب تیرماه ۱۳۵۱، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مسئول تنظیم و اجرای سیاست پولی و اعتباری، براساس سیاست کلی اقتصادی کشور می‌باشد. تعریفی که بانک مرکزی بر اساس «آیین‌نامه مربوط به سرمایه پایه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری» (بخشنامه شماره م/ب/۱۹۱۱ مورخ ۸۲/۱۱/۱۶) و نیز «آیین‌نامه کفایت سرمایه» (بخشنامه شماره م/ب/۱۹۶۷ مورخ ۸۲/۱۱/۲۹)، از کفایت سرمایه ارائه می‌دهد عبارت است از: حاصل تقسیم سرمایه پایه (طبق تعریف ارائه شده در آیین‌نامه مربوط به سرمایه پایه) به مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد (طبق تعریف ارائه شده در ماده ۵ آیین‌نامه کفایت سرمایه).

حداقل نسبت کفایت سرمایه، بر اساس ماده ۳ آیین‌نامه مربوطه، برای کلیه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اعم از دولتی و غیردولتی، ۸ درصد تعیین شده و بانک مرکزی می‌تواند در مواردی که استانداردهای بین‌المللی یا ضرورت حفظ سلامت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اقتضا کند، حدود بالاتری را برای تمام یا برخی از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تعیین کند.

اخیراً هیئت خدمات مالی اسلامی (IFSB)<sup>۳۱</sup> که وظیفه تهیه و تنظیم و رایه مقررات احتیاطی نظارتی جدید و اصلاح و گسترش مقررات موجود در زمینه بانکداری اسلامی در انطباق با مبانی اسلام و شرع را بر عهده دارد، و با حمایت بانک توسعه اسلامی<sup>۳۲</sup>، صندوق بین‌المللی پول، سازمان‌های حسابداری و حسابرسی برای مؤسسات مالی اسلامی و با شرکت تعدادی از بانک‌های اسلامی از سال ۲۰۰۳ میلادی فعالیت خود را آغاز کرده است، در جلساتی که ایران نیز در آن عضویت دارد، و در کوالالمپور مرکز مالزی تشکیل می‌شود، دو استاندارد در ارتباط با کفایت سرمایه و مدیریت ریسک را تهیه و جهت اظهارنظر بانک‌های مرکزی کشورهای عضو ارسال کرده است. این قوانین پس از جمع‌آوری دیدگاه‌ها و پیشنهادات بانک‌های مرکزی و نهایی شدن آن و تصویب استانداردهای مورد اشاره توسط مراجع قانونی ذی‌ربط کشورهای عضو، قابلیت اجرایی پیدا خواهد کرد.

### منابع:

- ۱- پهلوان‌زاده، مسعود؛ "مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانکها"؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛ مجله روند، سال هفدهم- شماره های ۵۲ و ۵۳ بهار و تابستان ۱۳۸۶.
- ۲- وزارت اقتصاد و دارایی، دفتر مطالعات اقتصادی معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی؛ "تأثیر تمرکز بازار بانکی بر ریسک اعتباری"، شهریور ۱۳۸۵.
- ۱- رمضان‌زاده، محمد تقی؛ "بازل ۲، امنیت اطلاعات و مدیریت ریسک عملیاتی"، شرکت پیش‌تاز پردازش پارس.
- ۲- ارجمندنژاد، عبدالمهدی؛ گروه مطالعاتی بانکی و اعتباری؛ "اصول ۲۵ گانه برای نظارت بانکی مؤثر"؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آذر ۱۳۸۵.
- ۳- مقاله "پیمان بازل ۲: پیمان بین‌المللی سرمایه مورد نیاز بانکها، که جانشین پیمان مورد توافق بازل ۱ مورخ سال ۱۹۹۸ شده است"، سایت ایران ریسک <http://www.iranrisk.com>.
- ۴- سهرابی، محمد اسحق، مقاله "کمیت‌ه بال چیست؟"؛ سایت آفتاب <http://www.aftab.ir>.
- ۵- Guernsey Financial Services Commission, and Corporations. (2007), "Basel II – Credit Risk".
- ۶- KPMG International. (2003), "BASEL II: A Worldwide Challenge for the Banking Business".
- ۷- <http://en.wikipedia.org>

۳۱-Islamic Financial Services Board (IFSB)

۳۲-Islamic Development Bank